

خداحافظ آقای سیاستمدار



روح الله اسلامی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

ایران اغلب سیاستمداران واقع گرا و نخبگان فهیمی داشته است که توانسته اند در بدترین شرایط تاریخی کشور را از بحران های بزرگ نجات دهند. موقعیت ایران به گونه ای است که با جغرافیای وسیع در چهارراه حوادث تاریخی دنیا قرار گرفته است و ایران ویج به معنای واقعی کلمه در مرکز جهان قرار دارد. این مرکزیت هر گونه رفت و آمد و برخورد اندیشه و کنش سیاسی را در متن ایران به بازی می گیرد. به تاریخ که بنگرید اغلب لشکرکشی ها، جنگ ها و رفت و آمد قدرت های بزرگ بر ایران اثر گذاشته است و بسته به میزان قدرتمندی کشور ایران بازیگر اصلی یا ناخواسته تحولات بوده است. اینکه چگونه ایران توانسته است از بحران ها، اشغال سراسری، جنگ های مداوم، ویرانی کامل نظامی و سیاسی، هجوم اندیشه و فرهنگ جان سالم به در برد و به گفته هگل تنها امپراطوری در جهان باشد که تداوم تاریخی داشته است به گونه ای که روز استقلال در آن بی معنا است به شاخص های زیادی برمی گردد که یکی از آنها وجود نخبگان خردمند بر طایفه وزیران ایرانشهری است. وزیرانی که با هزینه کردن سرمایه، وقت، دانش، تجربه و جان خویش حفظ ایران را در اولویت قرار می دادند. از ابن مقفع که میراث ایران را در برابر نژادپرستی بیابان گردان غارتگر حفظ کرد و در تنور انداخته شد تا حسنک وزیر، ابن سینا، سهروردی، فردوسی، خواجه نظام، خواجه نصیر، قائم مقام، امیرکبیر، فروغی و قوام و در روزگار فعلی هاشمی رفسنجانی که همه پدیدار نخبگانی متفاوت و ماندگار در دفاع از منافع ملی کشور بودند. سیاست عرصه ای است که با شعار، اهداف مداوم، ذهنیت آرمانی که قصد دارد همه موضوعات را حل و فصل کند سازگار نیست. نخبگان وزیر و خردمندان سیاسی ایران با استفاده از فنون و تکنیک های پیچیده توانستند مصلحت کشور، دولت و ملت را در حساس ترین روزگار تشخیص دهند.

گزاره های کلیدی در اندیشه و کنش نخبگان سیاسی ایران وجود دارد که برخی از آنها می توان درس آموز باشد. در رویکرد آنها انعطاف و سیالیت وجود دارد به این معنا که خطوط قرمز آنقدر زیاد نیست که امکان بازی را سلب کند یا پیش بینی بازی را برای حریف آسان سازد. در کنش آنها اغلب ساده ترین راه کار بهترین سیاست نیست به همین علت اغلب مردم از آنها تنفر دارند چون منافع کوتاه مدت عوام را برآورده نمی سازند. اگر سیاستمداری برای رضایت مردم همه راه های آسوده را با فنون دم دستی طراحی کند پس از مدتی کشور به شرایط اسفناکی گرفتار خواهد آمد. در نگاه نخبگان سیاسی ایران مشکلات همیشه وجود دارد و هیچ راه کار نهایی برای از بین بردن آنها وجود ندارد. مشکلات را می توان با محافظه کاری و آرامش و برنامه ریزی دقیق کمی کاهش داد. این نوع رویکرد که بر اساس رویکرد واقع گرا و نخبه گرایی محافظه کارانه سیاستمداران حرفه ای پرورش می دهد در فرهنگ مردم ایران شناخته شده نبوده است به همین علت به راحتی در صورت رانده شدن وزیران ایرانی از هرم حاکمیت حذف فیزیکی آنها به علت کمبود بدنه اجتماعی صورت می گرفت. خیر کوتاه بود و شوک آور به نحوی که شبکه های اجتماعی زودتر از صدا و سیما توانستند خیر و تحلیل رحلت نخبه خردمند و سیاستمدار واقع گرای ایران را مخابره کنند. همدلی، تسلیت و امید به آینده در تداوم راه آیت اله هاشمی رفسنجانی و گاهی ناامیدی و ترس از رفتارهای متعصبانه و عوام فریبانه در پیام ها بازتاب داشت. هاشمی سیاست را از جوانی تجربه کرده بود و قدم به قدم مراحل آرمان گرایی، انقلابی گری، پراگماتیسم و واقع گرایی را طی کرد. او مبنای خویش را بر امیرکبیر سیاستمدار نخبه و وزیر عهد ناصری گذاشت که توسعه ایران را در گرفتن القاب، سروسامان دادن به هزینه های کشور، ایجاد رویه قانونی، طراحی شورای حکومتی، انتشار مطبوعات،

نگاه ویژه:

خداحافظ آقای سیاستمدار

۱۳۹۵-۱۳۱۳





منابع خبری از حضور گسترده و بی سابقه مردم در مراسم تشییع پیکر آیت الله هاشمی رفسنجانی خبر داده اند. براساس آمارهای غیررسمی اعلام شده، ۳/۵ میلیون نفر در مراسم بدرقه آیت الله هاشمی شرکت کرده اند. آمارهای غیررسمی درحالی حکایت از حضور خارق العاده مردم در مراسم بدرقه «آیت الله» دارد، که صدها هزار نفر دیگر برای عقب نماندن از مراسم خاکسپاری، از صبح سه شنبه راهی حرم امام (ره) شدند. حسینعلی امیری معاون رییس جمهور گفت: طبق آمار اعلامی از سوی استانداری تهران حداقل دو و نیم میلیون نفر برای مراسم تشییع پیکر آیت الله هاشمی در دانشگاه تهران و اطراف آن حضور داشتند.

تالما ت و تاملات پساهاشمی



فرنام شکیبافر
کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۹۵

مانور و پارگیری از نیروهای اجتماعی مورد نیاز برای پیشبرد پروژه آیت الله هاشمی را برای وی محدود می سازد. و اما بعد دیگری از میراث آیت الله نواندیش و فقید متجلی در نهادهایی است که در معرض اعمال اراده و نفوذگذاری مستقیم و غیرمستقیم وی قرار داشتند؛ یعنی قوه مجریه، قوه مقننه، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی. دولت و دکتر روحانی و نیز فراکسیون امید و موتلفینش در مجلس در غیاب حمایت های معنوی گسترده و مانورهای سیاسی زیرکانه آیت الله احتمالا روزهای سختی را پیش رو داشته باشند. همچنین فقدان و خلا او در مجلس خبرگان در لحظه های تاریخی و سرنوشت ساز می تواند شدیداً و به گونه جانسوزی برای اهالی اصلاح و اعتدال حس گردد. دانشگاه آزاد نیز بعید به نظر می رسد کنترل عناصر میانه رو بر آن در غیاب آیت الله تداوم یابد مگر آنکه بافت قدرت را اندکی رحیم و مسامحه آید تا حداقل این یک میراث میراث ببری درخور یابد. و اما ضایعه های بزرگ تر از همه موارد فوق که فقدان سردار سازندگی در پی خواهد داشت مربوط به حیطه استراتژی های کلان نظام در حوزه هایی چون سیاست داخلی، سیاست خارجی و اقتصاد است. امام خمینی (ره) با اتکا به کارزما و موفقیت فرهنگدانه خویش توان دخل و تصرف گسترده ای در حوزه استراتژی های کلان داشتند و در این زمینه کسی را با ایشان امکان قیاس نیست، از همین روی بود که به عنوان مثال آیت الله بارها خاطر نشان شده بود که ای کاش مسئله ارتباط با ایالات متحده در زمان حیات امام مرتفع گردیده بود و فقط ایشان می توانست این گره را واکنند. همچنین مقام معظم رهبری (مد ظله) نیز به سبب موقعیت رفیع خود در ساخت حقوقی و حقیقی قدرت در ایران از توان و امکان بالایی برای تعیین کنندگی در حوزه استراتژی های کلان برخوردار هستند لیکن به جز این دو فرزانه یاد شده یعنی امام و رهبری یگانه فردی که امکان اظهارنظر تاثیرگذار و گفتن ساز معطوف به تحول خواهی در این حوزه را داشت آیت الله رفسنجانی فقید بود. در پایان گرچه نمی توان انکار کرد که درگذشت شوکه کننده و ناگهانی آیت الله مصلحت گرا ضایعه ای بزرگ است که ناپهنگام بر سر ما آوار گشته است اما با همه این تفاسیر و به رغم موارد نه چندان خوشایندی که ذکر آن ها رفت و انگاره ناخوشایند و قدری رعب آور را برای دوره پساهاشمی تصویر کرد لیکن نباید در ماتم و اندوه این فقدان از حد گذشت و روحیه را به کلی باخت. بی شک نیروهای اجتماعی برای نیل به مطالبات خود تدریجاً چهره هایی با کارویژه مشابه را بازتولید خواهند نمود؛ چراکه این سنت تاریخ است. گرچه نمی توان کتمان کرد که آیت الله هاشمی نظر به کیفیات، مختصات و خاصه وزن سیاسی مورد اشاره، بی همتا و تکرارنشدنی به نظر می رسد.

تصور کردن نظام جمهوری اسلامی بدون آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی دشوار است. درگذشت ناگهانی او شوکی بزرگ به پهنه سیاست ایران وارد آورد و واکنش های گسترده و بی سابقه ای در سطح جامعه و افکار عمومی خاصه در فضای مجازی به دنبال داشت. کمتر سیاستمداری را در تاریخ معاصر ایران به زیرکی و فراست او می توان سراغ گرفت. با درگذشت او امروز یک سوال و دغدغه اساسی این است که میراث سیاسی آیت الله چیست و پس از او چه بر سر این میراث خواهد آمد؟ میراث اساسی او را اسلام گرایی معتدلی می توان انگاشت که با پراگماتیسم و تکنوکراسی در تنافر نبود. نخبه گرایی و مشروطه گرایی در حوزه سیاسی، توسعه گرایی مبتنی بر بخش خصوصی در حیطه اقتصاد و تنش زدایی در عرصه بین المللی شالوده اصلی اندیشه و عمل سیاسی او را تشکیل می داد. او بالانس و موازنه گری قهار بود که برای پیشبرد پروژه توسعه گرایانه و رفرمیستی خود بسته به اقتضات هر دوره وارد ائتلاف های سیاسی ناپایداری با طیف ها و گروه های سیاسی گوناگون می شد. او محافظه کار بود لیکن به حکم عقلانیت و فراست خود اشراف داشت که «تغییر برای بقا» ضرورت تداوم اقتدار و تسلط هر نظام سیاسی است و ساخت قدرت دولتی در ایران نباید یک سره به سمت بیگانگی با نیروهای اجتماعی و مطالبات عمومی گام بردارد. آیت الله گرچه از اواخر دهه هفتاد، قدرت سخت خود را روزبه روز بیشتر در معرض نقصان می یافت لیکن قدرت نرمش خاصه از اواخر دهه هشتاد تا زمان درگذشتش رو به تزاید گذاشت؛ به طوری که بازی او با تکیه بر همین قدرت نرم و مقبولیت عايش بود که نقشی اساسی در برکشیدن دولت میانه رو یازدهم و مجلس معتدل دهم ایفا کرد. اینکه پس از درگذشت او چه بر سر این سرمایه اجتماعی و قدرت نرم خواهد آمد تا حد زیادی از سویی به عملکرد چهره هایی که از حیث کارکردهای سیاسی با او مورد این همانی قرار می گیرند نظیر ریاست محترم جمهوری و از سوی دیگر عملکرد آن دسته از اعضای خانواده آیت الله نظیر فائزه و خصوصاً محسن هاشمی رفسنجانی دارد که تا چه حد در عرصه سیاسی کشور رشد نموده و بر آن مینا ظرفیت انتقال، حفاظت و حامل بودن چه میزان از این قدرت نرم و سرمایه اجتماعی را برای خود ایجاد نمایند. چنانچه در سال ۹۲ محسن هاشمی رفسنجانی در رقابت نزدیکش با محمدباقر قالیباف موفق به تصدی پست شهرداری تهران شده بود از این حیث نگرانی کمتری برای حفظ شاکله شبکه قدرت مبتنی بر رویکردهای اعتدالی و توسعه ای شکل گرفته پیرامون آیت الله وجود داشت. و اما وضعیت در خصوص دکتر حسن روحانی علی رغم داشتن موقعیت سیاسی رفیع (که ظرفیت لازم برای ایفای کارویژه آیت الله فقید را فراهم می آورد) مشکل این است که تصدی پست ریاست جمهوری قدرت

یتمی اصلاحات و فردای پیش رو



رضا قلندر آبادی
فارغ التحصیل فقه و مبانی حقوق

فهمید آنچه را که باید و سال ۸۴ بالاخره با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد این فهمیدن اتفاق افتاد. حالا دیگر آن اطفال نوپا دریافتند آنچه را هاشمی سالها پیش دریافته بود، پس روی به سمت پدر برگردانند و با او آشتی کردند. ۷- سال ۸۸ شد و انتخابات دهم. فضا غبارآلود بود و فتنه خیز و باز این هاشمی بود که زودتر از بقیه دریافت یا باید سر چشمه را با بیل تدبیر بست و یا منتظر سیلی بود که همه را با خود خواهد برد. اما بیل نبود و چشمه به سیل بدل گشت. طرف های مناقشه در برابر هم صف کشیده بودند. هاشمی خون دل می خورد و کاری جز وعظ از دستش برنمی آمد. پس پشت تریبون نماز جمعه رفت. برای آخرین بار! مردم زخم دیده، آمده بودند تا حرف های دلشان را از زبان پدر بشنوند و هاشمی گفت آنچه را که باید. حرف های هاشمی اثر نکرد و در بر همان پاشنه می چرخید. منتهی حالا زمان محبوبیت فوق العاده او در بین مردم بود. مردم بغض او در خطبه ها را دیدند و شنیدند که چطور ششقیه خود را خواند زبان گویای مردم شد. ۸- دیری نپایید که دولت فخیمه دهم پرده دردی کرد و پرده ها از چشم حامیانش فرو افتاد و دیدند جریان انحرافی را که هاشمی سالها قبل در خشت خام دیده بود. جریان انحرافی هم به انتها رسید. ۹- دعوت پشت دعوت و خواهش پشت خواهش. ذکر «هاشمی بیبا» ورد زبان همگان بود و هاشمی عملگرا باز هم فداکارانه به میدان آمد. آمد و موجی شروع شد بلندتر از دوم خرداد ۷۶ و چه زود موج بلند امید یا سد رد صلاحیت، به باتلاق عمیق یأس تبدیل شد. اما هاشمی مرد ناامیدی نبود. مرد تدبیر بود و دوراندیشی. پس با تدبیر خود دوباره موج را زنده کرد و از دل تدبیرش، دولت تدبیر و امید سر برآورد. ۹- حالا کشور کمی روی آرامش به خود می دید و از تلاطم ها و لرزه ها بدر آمده بود و خیال هاشمی کمی آرام گرفت. تمام قد پشت دولت ایستاد چرا که سیاستمدار عملگرایی چون او خوب می دانست با همه ی نقطه ضعف ها، حمایت از این دولت از نان شب واجب تر است. پس پای پس نکشید و تا آخرین روز حامی تمام عیار دولت باقی ماند. ۱۰- حالا پدر اصلاح طلبی رفته و دیگر نیست. دیگر نیست تا درست سر بزنگاه های حساس با تدابیر راهگشایش و با کارزما ی فوق العاده اش جنبش اصلاح طلبی را از بن بست درآورد. دیگر نیست تا دوباره اعتدالیون و اصلاح طلبان را حول محور منافع ملی جمع کند و سمفونی اتحاد را رهبری کند. بله! ایران بدون هاشمی ترسناک است. حالا اصلاح طلبی بی پدر شده و باید یتمی را تاب بیاورد. اما آیا فرزندان این پدر آنقدر بالغ شده اند که رشته های سالها صبر و استقامت و خرد او را با خودخواهی ها و کوته فکری ها رشته نکنند؟ خوش بختانه خیلی زود جواب این سوال را خواهیم دید. درست ۴ ماه دیگر. اردیبهشت ۹۶ و انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم.

۱- می توان اکبر هاشمی رفسنجانی را دوست نداشت. می توان به او تاخت و او را عامل بسیاری از مشکلات و کاستی های کشور از آغاز انقلاب تا امروز دانست. می توان دشمن او بود و حتی برای او آرزوی مرگ کرد و حالا از رفتنش خوشحال بود. اما به هیچ عنوان نمی توان هوش و ذکاوت او را زیر سوال برد. سیاست مدار کهنه کاری که از روز اول در عرصه بود و در تمام برهه های انقلاب نقش اساسی ایفا کرد. البته که مرتکب خطاها و اشتباهات زیادی هم شد اما کدام سیاستمدار است که در عرصه فعال و تاثیرگذار باشد و دچار اشتباه نشود؟ ۲- هوش بالا و تفکر عملگرایانه ی هاشمی دو ویژگی اصلی او بود. هاشمی با زمانه پیش می رفت و نیک می دانست باید در هر شرایطی چگونه عمل کند. می دانست که ذهنیت ایدئولوژیک آفت سیاست است و انتهایش به بی راهه. او به جای ایدئولوژی محوری به عقل محوری و واقع بینی معتقد بود و همین نگاه چراغ راهش بود. ۳- او بسیار زودتر از هم مسلکانش فهمید باید بر جنگ نقطه پایان گذاشت. بسیار زودتر فهمید راه توسعه و پویایی اقتصادی از لیبرالیسم اقتصادی می گذرد. بسیار زودتر فهمید که عرصه بین الملل عرصه تعامل است نه تخاصم. بله! او در بسیاری از عرصه ها از همگان پیش بود و به آینده ای دورتر می اندیشید. ۴- شاید شما هم معتقد باشید هاشمی از سال ۸۸ تغییر رویکرد داد و به سمت اصلاح طلبان روی برگرداند. اما اتفاقاً هاشمی اصلاحات تدریجی را نیز بسیار زودتر از دیگران در پیش گرفته بود. او می دانست برای اثرگذاری و اصلاحات باید در ساختار قدرت حضور داشت و از داخل و به تدریج اصلاحات را پیش برد. ۵- هاشمی به زعم من پدر اصلاح طلبی ایران پس از انقلاب است و این اصلاح طلبی را از اقتصاد شروع کرد. در گام نخست مسیر اقتصاد ایران را از مسیر چپ گرایانه ی بوک به سمت پویایی بازار آزاد جهش داد و چنان عمیق این تحول را ایجاد کرد که تا همین امروز این نگاه تقریباً بر اقتصاد ایران حاکم است. ۶- گام بعدی هاشمی دفاع از صندوق رای و دموکراسی در عمل بود. سال ۷۶ اگر نبود دفاع هاشمی از رأی مردم، شاید هرگز دولت اصلاحات که قرار بود فاز بعدی اصلاح طلبی را که همان توسعه سیاسی بود پیش برد بر مسند قدرت نمی نشست. اما این فاز به دست بی تجربه ها افتاد و حالا نو به عرصه رسیده های سیاست، نابلدانه پیش می تاختند. آنها درکی از اصلاح طلبی مورد نظر هاشمی نداشتند و افراط را سرلوحه قرار دادند و جالب اینکه بیشترین حملاتشان علیه شخص هاشمی بود و باز این هاشمی بود که سرتق گری های کودکانش را تاب آورد چرا که می دانست بالاخره روزی خواهند

خداحافظ آقای سیاستمدار

ادامه از صفحه ۱

جذب سرمایه و تکنولوژی غربی، تاسیس دارالفنون، ساخت کارخانه، نظام دادن به ساختار ارتش و بوروکراسی برنامه ریزی کند. امیرکبیر عاشق ایران بود و هاشمی جوان اسلامگرای انقلابی الگوی مناسبی برای تداوم سیاست مداری خویش انتخاب کرد. هاشمی نیز بعد از مبارزه با شاه و میانه روی در برخورد با نیروهای سکولار و اسلامی و برقراری ارتباط میان آنها تبدیل به معتمد و بازوی اجرایی امام خمینی (ره) گردید. زمینه روی کار آمدن بازارگان و نهضت آزادی را فراهم کرد. در جنگ فرمانده و نماینده امام بود و در همه پست های

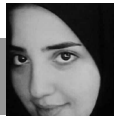
سیاسی نمایندگی و ریاست مجلس، خبرگان قانون اساسی، خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام فعالیت کرد. عامل اصلی خاتمه جنگ و چرخش تکنیکی سیاست خارجی ایران به سمت رویه های واقع گرا بود. دوران سازندگی ایران جنگ زده را به سمت سازندگی سوق داد و دولت اصلاحات از بدنه دولت هاشمی سربرآوردند هر چند که با تمام نابخردی و رادیکال گرایی از او عبور کردند و در نهایت نیز بعد از حذف شدن کامل از هرم حاکمیت هاشمی آنها را نجات داد و سیاست به آنها آموخت. تدریها از دوسو با تبلیغات فراوان سعی داشتند بدنه اجتماعی هاشمی

را از او سلب کنند. سکولارهای لیبرال و مارکسیست اگر از دنیا بروم خیالم راحت است. هاشمی میانه و او را انقلابی اسلامگرای تندرو می خوانند که سوپاپ معتدل بود و به معنای واقعی کلمه در اندیشه و کنش اطمینان و عامل تداوم جمهوری اسلامی بود. چپ و مصلحت کشور، دولت و مردم را می دانست. او سیاست راست های تازه به دوران رسیده که الفیای سیاست مدار تراز اول جمهوری اسلامی بود که در شب قتل را نمی دانستند و نمی خواهند بدانند، او را محافظه امیرکبیر از دنیا رفت. سیاست مدار روزهای سخت، کاری تجملاتی به تصویر کشیدند و به شکل های کنشگر واقع گرا، پدیدار نخبگان استخوان داری چون مختلف از او عبور کردند. هاشمی اما با همه سر امیرکبیر، فروغی و قوام از دست عوام راحت شد. مدارا داشت و از توان همه نیروها و جریان ها در خدایش بیامرزد و با نیکان همراه سازد. در آخر گفته جهت آبادانی و توسعه ایران بهره گرفت. او درس بیهقی بزرگ در مورد وزیر خردمند ایران را می آورم: آرامش، محافظه کاری، ادب، تشریفات، واقع گرایی او رفت و این قوم که مکر ساخته بودند نیز برفتند را به همه آموخت و در نهایت نیز با هزینه آبرو و و این افسانه ای است با بسیار عبرت. احمق مردا که نام خویش اعتدال را به قدرت رساند و گفت اکنون دل در این سرای بندد.

خانم عفت مرعشی همسر آیت الله هاشمی(ره) به رسم ۵۸ سال زندگی مشترک، فردای روز ارتحال نیز هنگام صبحانه یاد ایشان را گرامی داشتند.
به گزارش انتخاب، همسر آیت الله در دلنوشته‌ای کوتاه این جملات را روی کاغذ نوشت:
به عادت هر روز صبح بشقابی برایش روی میز صبحانه گذاشتم. نگاهش کردم. آشیخ اکبر آقا چهره‌اش امروز از همیشه نورانی تر بود.
ناگهان این بیت شعر را بی اختیار زمزمه کردم:
مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت
به تماشای تو آشوب قیامت برخاست
آسوده بخواب مرد بزرگوار...



داستان کوتاه



غزل عرفانی
کارشناسی پژوهشگری اجتماعی ۹۱

سکوت

هاشمی: بچه‌ها کجا هستند؟ - عفت: فرستادمشان خانه‌ی فامیل‌ها - هاشمی: تماس گرفتی که خانه هستند یا نه؟ - عفت: آن‌ها مدت‌هاست که خانه نشین شده‌اند! - هاشمی: باید بروم - عفت: کجا؟ - هاشمی: می‌خواهم دفتر خاطراتم را کامل کنم. وقتی برگشتم با بچه‌ها تماس بگیرم و بگو بیایند خانه. نگذار مزاحم فامیل‌ها شوند.
- عفت: همین‌جا دفترت را کامل کن. من جدا از این دفتر نیستم. آن‌روز را به یاد داری؟ وقتی گفتم سکوت نکن، اما تو کردی! حالا نوشتنت چه فایده‌ای دارد؟ - هاشمی: از این حرف‌ها بگذر...
- عفت: هنوز هم قبول نداری؟ - هاشمی: نه!

سیاه‌وسفید

خانه‌ی غبار آلود بود و هوا گرگ‌ومیش و عکس‌های روی طاقچه خبر از همیشگی‌بودن‌های گذشته می‌داد. پشته‌های زیر طاقچه اندکی نخ نما شده بودند اما فرش‌های خانه با طرح‌های جدید ایتالیایی اندکی به خانه رنگ و لعاب بخشیده بود. سماور روی گاز بود و انگار بیشتر از همیشه جیغ می‌کشید و بخار می‌کرد، شاید هم بخار سماور روی دل خانه سنگینی کرده بود... - هاشمی: نمی‌گذری؟ این‌ها قانون‌اند!

ما هفت نفر

بعضی‌هایشان را خودم نوشته‌ام - عفت: آن روز که یاسر برای جبهه رفتن پافشاری می‌کرد همین را گفتم، خوب یادم می‌آید به تو زنگ زدم گفتم یاسر گریه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم به جبهه بروم اسمش را داده، اما چون زیر شانزده سال است او را قبول نکرده‌اند چون خیلی بی‌تابی می‌کرد از تو خواستم کاری کنی که او را به جبهه نفرستند تو گفتم: من این قانون را خودم نوشتم نمی‌توانم آن را زیر پا بگذارم اما تاب نیاوردی و آن را زیر پا گذاشتی... یاسر را به جبهه فرستادی... - هاشمی: گاهی... شاید... ظلم کرده‌ام - عفت: تو زیادی مظلوم بودی، وقتی فکر می‌کنی گاهی ظلم کردی، یعنی مظلومی... - هاشمی: از کجا به کجا می‌رسی عفت؟ از سیاهی به سفیدی؟! - عفت: سیاه و سفید؟ اصلا این‌ها چه معنایی دارد؟ خدا جای حق نشسته... می‌روم چایی بیآورم، باهمم خاطرات را می‌نویسیم...
- هاشمی: دارم روز ترور را می‌نویسم - عفت: خوب یادم می‌آید، هوا گرگ‌ومیش بود آن روز نمی‌توانستم به هیچ‌کس اعتماد کنم. منافقین را از یادگارها تشخیص نمی‌دادم، وقتی رساندمت بیمارستان کفش به پاهایم نبود، آن روز هم فامیل‌ها خانه نشین بودند. فاطمه در خانه ماند و به آن‌ها زنگ زد همه آمده بودند بیمارستان تا به تو خون بدهند، وقتی از بیمارستان مرخص شدی و به خانه آمدی... - هاشمی: آن خانه را خوب به یاد دارم، کوچک بود اما پنجره‌های بزرگی داشت، حیاطش کوچک بود، یک حوض کاشی آبی داشتیم

که دور تا دورش گلدان بود، گلدان‌های خالی، هیچوقت قسمت نشد در آن‌ها شمعاندنی بکاریم
جنگ
عفت: بیشتر از همه برای تو دعا کردم، اما از دستت عصبانی بودم، محسن و یاسر را تو به جنگ فرستادی خواسته یا ناخواسته... - هاشمی: خاطرات جنگ مبهم است، در هاله‌ای از غبار و خون، وقتی شروع شد هیچ کس آمادگی‌اش را نداشت، ما فقط طاقت آوردیم - عفت: اما هیچ‌کس هم آمادگی تمام شدنش را نداشت، تو همیشه برای همه غیر قابل پیش بینی بودی البته برای من مسئله فرق داشت من تو را از سایه ات هم می‌توانم پیش بینی کنم! محسن زخمی شده بود وقتی از جبهه آمد. من خانه نبودم وقتی زنگ زدند و گفتند... صدایش لرزید... لب‌هایش خیس شده بود اما در نگاهش هیچ تغییری ایجاد نشد... همانطور محکم و بی‌حالت به دفتر خاطرات نگاه می‌کرد، صدای جیغ کنری بلندتر شد. - عفت: می‌روم چایی بیآورم. - هاشمی: چایی را در استکان گلسرخ‌ی قدیمی بریز.
ماهفت‌نفر
عفت بلند شد به آشپزخانه رفت، در این فکر بود که چطور در یک چشم برهم زدن همه چیز را پشت سر گذاشته‌اند. آن همه تعقیب و گریزها، زندان‌ها، جنگ‌ها، کنک خوردن‌ها و حالا خانه‌نشینی‌ها و این سکون خاکستری، جای را در استکان‌های گلسرخ‌ی ریخت و در سینی گذاشت. دست‌های دیگر به لرزه افتاده بودند، درست مثل دست‌های شوهرش...

تبعات خاموشی مرد لحظه‌ها



اگر خرد چاشنی مدیریت شود مردم نیز به خوبی با آن همراهی می‌کنند.
اساساً نهادمندی در ایران و خاورمیانه وجود ندارد. کم نبودند سیاستمدارانی که با مرگشان پروزشان را هم نیمه‌تمام برای جماعت ایرانی بر جای گذاشته‌اند. رمز و راز آن تداوم تاریخی و این کسبست سیاسی به دو تجربه متفاوت از سیاست و حکومت در غرب و ایران بازمی‌گردد. اگر در میان اجنبی‌ها سیاست، پروسه است نه پروژه و تحولات در ساخت جامعه و اجتماع راهی به ساختار سیاسی می‌یابد، در تجربه ایرانی این روابط دوسویه میان جامعه و سیاست همواره دچار عارضه بوده است و سکنه‌های پیاپی، اگر ایران ما تا به امروز رد پایی از نوسازی و مدرنیزاسیون در ساخت و ساخت سیاسی‌اش نمایان شده است، نه به دلیل خاص و عقلانیت توده‌ها بوده است و نه دگرپسندی حال و احوالمان در محیط جامعه و اجتماع. هر آنچه به عنوان



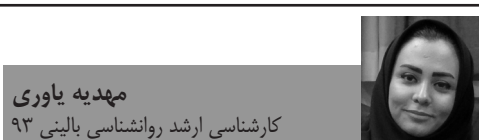
محمد محبی
دکتری علوم سیاسی ۹۲

خبر در گذشت نابهنگام آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، همه را در بهت و حیرت فرو برد. با رفتن آیت الله بسیاری از مناسبات قدرت در نظام جمهوری اسلامی تغییر خواهد کرد. با رفتن هاشمی هندسه سیاسی سیستم حاکم در ایران دچار دگرگونی‌های اساسی خواهد شد. حقیقت‌آش را بخواهید سیاست ایرانی با تمام فراز و فرودهایش همچنان سنتی هست، و بنیان‌های سیاست ورزی و حکمرانی مدرن هنوز هم بعد از ۱۱۰ سال از انقلاب مشروطه در ایران نهادینه نشده است. اگر بگوییم که این خاموشی آیت الله مایه نگرانی برای آینده است، پر بیراهه نگفته ایم. ایران در بزنگاه‌های تاریخی حساس نیاز مبرم به مرد لحظه‌ها داشت، مردی که احساسات شخصی و بعضاً احساسات جمعی را در تصمیمات خود کمتر دخالت می‌داد و ریشه احساسات مناقض بخشی از جامعه دربار او هم در همین نکته نهفته است. اینکه وی نه به مانند مصدق و خاتمی محبوب دل‌هاست و نه مثل بسیاری از سیاستمداران تاریخ ایران، منفور مطلق است. مردی به غایت خاکستری که نیاز مبرم «امر سیاسی» در ایران است. چون سیاست ایرانی علاوه بر معضل نگاه سنتی و تلقی سیاه و سفیدی بودن، معضل اسطوره‌ای و قهرمان‌محوری هم دارد. هاشمی کمتر از قهرمانان سیاست آن هم از نوع ایران، ویژگی یک قهرمان را داشت. فردی پراتیک‌تر از کاراکتر قهرمان بود. لذا او نیاز مبرم زمانه ما بود و مرگ وی، ما را به عقب خواهد برد. او به غایت صبور بود و صبر نیاز بزرگ

درد بر هاشمی، سلام بر ...

خاص و تماما منتقد، به بررسی ابعاد زندگی آیت الله هاشمی می‌پرداخت. در بین حجم زیاد تصاویر و پیام‌های گوناگون که نقطه مشترکشان تسلیت و ابراز تأسف بود، معدود افرادی از جمله حمید رسایی، به شیوه خاص و همیشگی خود، نسبت به این اتفاق واکنش نشان داد، وی در کانال خود با انتشار مطلبی، دلواپسی همیشگی خود از وجود طلحه و زیرها را در طول تاریخ، به اشتراک گذاشت. روز سه شنبه هنگامی که بازتاب تشییع جنازه مرحوم هاشمی در فضای مجازی، خبر از حضور میلیونی مردم می‌داد، صدا و سیما با سانسور صدا و تصویر جمعیت، بار دیگر نشان داد که تا رسانه ملی شدن فرسنگ‌ها فاصله دارد. صدای سانسور شده به مدد رسانه‌های اجتماعی، به گوش همگان رسید، صدای کسانی که رفع حصر طلب می‌کردند و بر غائب مراسم درود می‌فرستادند. علی مطهری در توییتری بیان کرد: «شعارهای مردم در تشییع پیکر آیت الله هاشمی رفسنجانی نشان می‌دهد که مسئولان نظام باید زودتر مسئله حصر خانگی رهبران معترضان سال ۸۸ را حل کنند». با وجود این که بخش گسترده‌ای از فعالیت‌های فضای مجازی به بازتاب خبری مراسم اختصاص داشت ولی زمزمه‌ها و گمانه‌زنی در خصوص رئیس آتی مجمع تشخیص مصلحت نظام، هم کم نبود. دغدغه‌ای که شاید گوشه‌ای از انبوه نگرانی ایران بدون هاشمی است. فقدان‌هایی که به جرأت می‌توان گفت نقطه عطفی در تاریخ ایران پس از انقلاب، از حیث تاثیرگذاری بر اتفاقات آتی محسوب خواهد شد.

التهاب فضای مجازی مضاعف شد و پیام‌های تسلیت از سمت شخصیت‌های برجسته با سرعت شگرفی منتشر شد. سایت رهبر، پیام تسلیت آیت الله خامنه‌ای را منتشر نمود، پیامی که در پی از دست دادن رفیق دیرین و همسنگر و همکار نزدیک سال‌ها هم‌زمانی، خبر از غمی بزرگ می‌داد. حسن روحانی هم در پیامی از دست زدن امیر بزرگ ایران، مدیر کم نظیر نظام، محبوب امام و خادم مردم را تسلیت گفت. انتشار پیام‌ها همچنان ادامه داشت، علی لاریجانی، علی مطهری، محمد جواد ظریف، محمد خاتمی، محمد رضا عارف. پیام‌ها محدود به شخصیت‌های داخل کشور نشد، پادشاه بحرین، حاکم دومی، وزیر امور خارجه ترکیه، ولیعهد ابوظبئی، سید حسن نصرالله، رئیس دولت امارات عربی متحده، رئیس جمهور نیکاراگوئه، پادشاه عمان، و بسیاری دیگر در گذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفتند. سخنگوی کاخ سفید، جاش ارنست، در پیامی آیت الله هاشمی را یکی از شخصیت‌های برجسته ایران خواند و به خانواده و عزیزانش تسلیت گفت. تصاویر و فیلم‌های متعددی از اجتماع مردم در محل بیمارستان شهدای تجریش و همچنین حضور شخصیت‌های مطرح و سران کشوری در جماران منتشر شد. و این در حالی بود که صدا و سیما با حضور افرادی از فتن جناح



مهديه ياورى
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳

عملکرد اخیر صدا و سیما بار دیگر نشان داد که اعتماد به فضای مجازی و اقبال و ترجیح توده مردم به رسانه‌های اجتماعی نسبت به رسانه ملی، اعتماد و ترجیح به مراتب شایسته تری است. عصر روز یکشنبه نوزدهم دی ماه، در حالیکه خبر بستری شدن و وخامت حال آیت الله هاشمی رفسنجانی در فضای مجازی، به نقل از منابع آگاه و معتبر و بعضاً نامعتبر منتشر می‌شد، صدا و سیما با تاخیر قابل توجهی به اعلام دچار شدن ایشان به عارضه قلبی از طریق زیرنویس شبکه خبر بسنده کرد! و در حالی که مدتی بعد، خبر فوت ایشان از طریق فضای مجازی در حال گسترش بود، صدا و سیما از به وجود آمدن مشکلی در روند درمان ایشان خبر می‌داد! و باز هم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با تاخیری غیر قابل چشم پوشی، خبر فوت یکی از ارکان اصلی انقلاب و کشور را اعلام نمود که در نوع خود قابل تامل بود. پس از اعلام رسمی، خبر فوت آیت الله هاشمی رفسنجانی در صدر اخبار خبرگزاری‌های خارجی نیز قرار گرفت و این در حالی بود که



هیئت تحریریه: سرویس خبرنگار: سجاد نامور (دبیر سرویس)، محمد محبی، سهراب شریفی، محدثه احمدی، فرنام شکیبافر، علی میری، مسعود همدیمان، سرویس دارالفنون: فریبا قاسم زاده (دبیر سرویس)، پریسا فتاحی، بهار ابراهیمی، مریم رضازاده، بهنام غلامی، فرناز محمدیان، زهرا کریمی، سینا سهیلی فر، فاطمه نصیری، سرویس سینمایی: آتوسا آریایی (دبیر سرویس)، نیلوفر عادل، سارا شجاع، سجاد عمران، سجاد ناصری، فائزه سرفرازی، مهدی میلانی راد، سرویس ادبی: غزل عرفانی (دبیر سرویس)، فرزانه خروشی، داوود شالفروشان، محدثه هادی نژاد، مهشاد هاشمی، غزل طهماسبی، هادی قنبری، هاجر رضایی، مرتضی نادری سرویس موسیقی: حمیدرضا علیمردانی (دبیر سرویس)، امیررضا کرامتی، سرویس عکس: سودا باقری (دبیر سرویس)، شمیم مصطفی زاده، مجتبی موسوی، محمد حسین سمندری

طراح و صفحه آرا: زهرا فدوی ویراستار: سحر سعادت
وبسایت: www.SDJD.ir ایمیل: vaghayemag@gmail.com

سامانه ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳

پل ارتباطی ما با شما مخاطبان

گرامی است. در صورت

تمایل به همکاری با نشریه،

می‌توانید کلمه «همکاری»

را به سامانه ارسال کنید.



باشگاه مخاطبان

جدیدترین اخبار و رویدادها در

کانال تلگرام و قایع اتفاقیه:

@vaghayemagz



هاشمی در تونل زمان
نگاهی تصویری به زندگی هاشمی رفسنجانی

حسین محمد دوست
فارغ التحصیل حقوق و علوم سیاسی



۱۳۶۰؛ هاشمی رئیس مجلس آزادترین مجلس تاریخ جمهوری اسلامی است. از نهضت آزادی تا حزب جمهوری. مجلسی که نهضتی‌ها در آن مورد تعدی قرار گرفتند. هاشمی در این عکس نظاره‌گر و خندان است.



در ابتدای دهه ۵۰ که دایره مبارزات از مرزهای ایران فراتر رفته بود، هاشمی از معدود روحانیانی بود که با هزینه شخصی‌اش برای رتق ورتق امور مبارزه به کشورهای خارجی می‌رفت. تصویر متعلق به سفر او و شهید باهنر به ژاپن در سال ۵۴ است



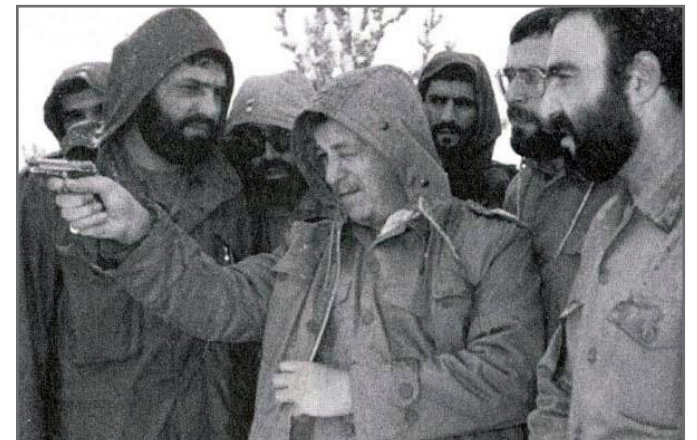
سال ۱۳۳۷؛ ۱۴ ساله بود که از بهرمان کرمان برای تحصیلات حوزوی به قم آمد. تمکن مالی این طلبه جوان که برخاسته از میراث خانوادگی او بود در نظام پهلوی دستاویزی برای تخریبش نبود. هرچند در نظام بر ساخته او توسط عدلای پائسته آشیلش شد



از عوامل پشت پرده‌ی اصلی ریاست جمهوری عصر اصلاحات؛ توسعه‌ی اقتصادی او و فریب‌شدن طبقه‌ی متوسط، عصر اصلاحات را به ارمغان آورد.



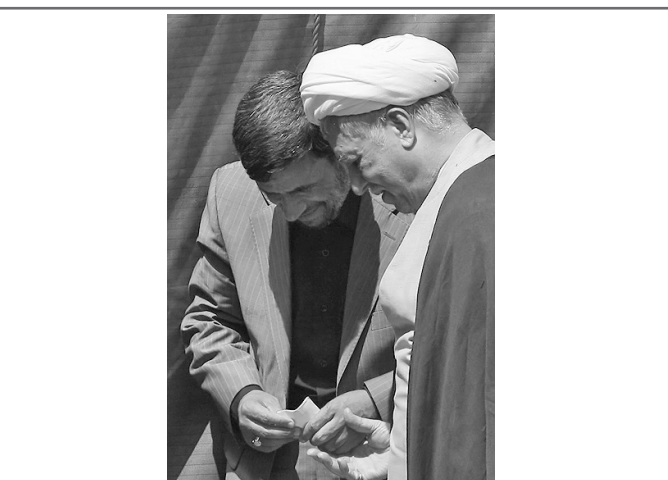
هاشمی پس از جنگ بر مرکب قدرت سوار شده بود؛ او رئیس جمهور شده بود. نقدها و نظرات زیادی پیرامون ۸ سال ریاست جمهوری او وجود دارد.



هاشمی نماینده امام در شورای عالی دفاع و جانشین فرمانده کل قوا در ماه‌های پایانی جنگ بود. او نقش موثری در پایان جنگ در آن فضای احساسی و ملتهب داشت.



۲۶ تیر ۱۳۸۸؛ احمدی‌نژاد به قدرت رسید. آخرین نماز جمعه هاشمی. انتقادات هاشمی از شورای نگهبان و بازداشت مخالفان. او دیگر به نماز جمعه بازنگشت.



۱۴ خرداد ۱۳۸۸ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری هاشمی احمدی‌نژاد را به گوشه‌ای می‌کشاند و به او می‌گوید دیشب در جریان مناظره با موسوی به من تهمت زدی و دروغ گفتم.



۱۳۸۴؛ شون پن بازیگر نامدار هالیوود به عنوان خبرنگار با هاشمی کاندیدای ریاست جمهوری مصاحبه می‌کند. اختلاف و بلندپروازی اصلاح‌طلبان منجر به ظهور پدیده احمدی‌نژاد می‌شود.



۱۹ دی ۱۳۹۵؛ فردا سالگرد شهادت امیرکبیر الگوی هاشمی در سیاست‌ورزی است اما اجل امان نمی‌دهد. خداحافظ آقای هاشمی



او با کسب بیش از ۲ میلیون رای در استان تهران، بالاترین میزان رای یک نامزد انتخابات خبرگان را در تمام ادوار این مجلس کسب نمود. در این دوره محمد یزدی، رئیس مجلس خبرگان و محمدتقی مصباح یزدی رای لازم را برای حضور در خبرگان به دست نیاوردند و احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان شانزدهم شد.



۲۱ اردیبهشت ۹۲؛ هاشمی در قلیق آخر ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری در میان استقبال فوق‌العاده مردم در انتخابات ریاست جمهوری نام نویسی می‌کند و در میان حیرت همگان رد صلاحیت می‌شود. بعدتر با حمایت او و رئیس دولت اصلاحات است که روحانی رئیس جمهور می‌شود.